

نهی از تشاؤم و تفاؤل و اعتقاد بچشم زخم و استخاره و عطسه و خرافات دیگر

حضرت عبدالبهاء:

۱ - " هو الله ای بنده الهی در خصوص چشم پاک و ناپاک یعنی اصابت عین مرقوم نموده بودید . این محض توهم است ولی احساساتی از این وهم در نفوس حاصل گردد . آن احساسات سبب حصول تأثرات شود . مثلاً نفسی بشور چشمی شهرت یابد که این شخص بد چشم است و نفسی دیگر معتقد و متیقن بتأثرات چشم . چون آنشخص به "بد چشم" مشهور نظری باین بیچاره نماید این متوهم مضطرب گردد و پریشان خاطر شود و منتظر ورود بلائی گردد. این تأثرات سبب شود و وقوعاتی حاصل گردد و الا نه اینستکه از چشم آن شخص آفتی صادر شد و بوجود این شخص رسید . لهذا اگر نفسی بقلبش چنین خطوری کرد که فلان شخص شور چشم است و مرا نظر نمود . فوراً بذکر الهی مشغول شود تا این وهم از قلب زائل گردد و عَلَیْكَ الْبُهَاءُ الْأَبْهَى ع ع " . (ص ۸- ۲۵۷ ج ۳ مکاتیب حضرت عبدالبهاء)

۲ - " اما در خصوص چشم زخمی یعنی اصابة العين که در عربی عَيْنُ الْكَمَالِ گویند مرقوم نموده بودید که چشم شور را آیا اثری هست . در چشم چنین اثری نیست ولی در تأثیر و تأثر نفوس حکمتی بالغه موجود . این مِنْ حَيْثُ الْعُمُوم . امانفوس ثابتہ راسخه مصون از این حادثه و اگر چنانچه نفسی را وهم و تأثری حاصل شد نود و پنج مرتبه " يَا اللَّهُ الْمُسْتَعَاثُ " بر زبان راند " . (ص ۴۵۴ گنجینه حدود و احکام)

۳ - " اما مسأله ثالث یعنی فال و رمل آنچه در دست ناس است امریست موهوم صرف ابداً حقیقی ندارد و اما مسأله چهارم که تفاؤل و تشاؤم و اعتاب و اقدام و اقتران و نواصی باشد یعنی تَمَلُّک حیوانات ذیروح . فال خوب سبب رُوح و ریحان است اما تشاؤم یعنی فال بد مذموم و سبب انفعال " . (ص ۳۰۶ ج ۲ مکاتیب حضرت عبدالبهاء)

۴ - " هو الله ای بنده الهی نامه شما وصول یافت و از عدم فرصت جواب مختصر مرقوم میگردد . از علم نجوم سؤال نموده بودی آنچه تعلّق بریاضیات دارد آن مقبول و آنچه از پیش منجمین قدیم تأسیس نموده اند و تأثیرات عظیمه در تربیع و تثلیث دانسته و از قران کواکب در مواقع و سیر و حرکت در منطقه البروج و استقامت نجوم و تأثیر ساعات و تخصیص اوقات مرقوم نموده اند و در کتب موجوده مذکور، عبارت از تصوّرات و افکار اسلافسست و اساس متین غیر موجود. ولی نفوسی از پیشینیان بقوّه تبّتل اطلّاع بر بعضی از اسرار کون یافته و از روابط و تعلقاتی که در بین موجوداتست اطلّاعی حاصل نموده آنان مطّلع بر بعضی اسرار خفی که در حقایق اشیاست واقف گشتند و بعضی وقایع آتیه از روابط موجودات استنباط نمودند. این محل انکار نه چنانکه در رساله

نهی از تشاؤم و تفاؤل و اعتقاد بچشم زخم و استخاره و عطسه و خرافات دیگر

خال در ذکر نجم بازغ که دلالت بر ولادت حضرت روح مینمود مرقوم . اما باوهامات مندرجه در کتب نجومیه قطعیا اعتماد نه .
واقا مسأله عطسه وهم صرف است . این دور مبارک این اوهام را از میان برد . ذکرش نیز جائز نه . وَ عَلَيْكَ التَّحِيَّةُ وَالنَّاءُ ."
(ص ۲۵۶ ج ۳ مکاتیب حضرت عبدالبهاء)

۵ - " اما عطسه ، در ساحت اقدس این امور ملحوظ نه و اجرای امور خیریه بعطسه و دو ن آن منوط و مشروط نبود و نیست "
(ص ۴۵۴ گنجینه حدود و احکام)



حضرت ولی امر الله:

۱ - " راجع بسؤال اخیر هنگامیکه وسائل مشورت مفقود و شخص در انجام امر مهمی متردد استخاره نمودن با کتاب اقدس چگونه است . فرمودند در این موارد آنچه لازم و واجب توجه تام و استمداد از مصدر فیض و الهام است لاغیر و اگر چنانچه تأجیل در تصمیم ممکن ، تا وسائل مشورت فراهم گردد احسن و آنسب است ."
(ص ۴۶۲ گنجینه حدود و احکام)

